

تاریخ دریافت : ۹۴/۱۲/۰۷
تاریخ پذیرش : ۹۵/۰۹/۲۲

نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری

محمدصادق فلاح*
لیلا کمالی**
صمد شهیدی***

چکیده

علیرغم آنکه از چند دهه پیش با توسعه علوم محیطی، جنبه‌های ذهنی فضاهای معماری در محافل علمی مورد توجه قرار گرفت، بیشتر تجارب کنونی در زمینه حفاظت میراث معماری ایران گویای کم‌توجهی به این مقوله و توجه زیاد به کالبد و عملکرد در برنامه‌ریزی‌های مربوطه است. مفهوم حس مکان به عنوان یکی از مفاهیم علوم محیطی، متخصصان و طراحان را در شناخت ویژگی‌های ذهنی فضاهای طبیعی و مصنوعی یاری کرده است. مقاله حاضر معتقد است جنبه‌های فضایی حفاظت می‌تواند با در نظر گرفتن مفهوم حس مکان، شناخته شده و راهکارهای عملی برای آفرینش رابطه‌ای همه جانبه بین فضا و انسان را پایه‌ریزی کند. از آنجایی که حس مکان رابطه انسان - فضا را از طریق شناساندن معانی فضا شکل می‌دهد، بنیان مناسبی برای شناخت معانی فضاهای میراثی و تبیین نگرشی مناسب نسبت به اقدامات حفاظتی خواهد بود. براساس این دیدگاه، فرضیه‌های زیر تدوین شده است: آ. حفاظت معنایی مبنای اصلی حفاظت معماری است، ب. توجه به حس مکان بخش مهمی از حفاظت معنایی است و پ. حفاظت براساس حس مکان الگوی حفاظت‌های کالبدی و عملکردی را تبیین می‌کند. بررسی نسبت بین حفاظت معماری و مفهوم حس مکان نشان می‌دهد که شناخت مفهوم حس مکان فضاهای میراثی سبب شناخت ساختار و کاراکتر آنها شده، حفاظت معماری را به سوی خط مشی‌هایی در مورد اقدامات کالبدی - عملکردی سوق می‌دهد که در نهایت به حفظ حس تعلق مردم نسبت به آن فضاها منجر شود. این پژوهش با اتکا به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تفسیر و طبقه‌بندی آنها انجام شده است.

واژگان کلیدی

حفاظت معنایی، حفاظت حس مکان، حفاظت کالبدی، حفاظت عملکردی.

*. دکتري معماری، دانشيار دانشکده مهندسی، دانشگاه زنجان، ایران. نویسنده مسئول ۰۹۱۲۲۷۶۴۵۸۳ safalahat@znu.ac.ir
**. کارشناسی ارشد معماری، مربی دانشکده مهندسی، دانشگاه زنجان، ایران. kamali.leyla@yahoo.com
***. کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، معمار و پژوهشگر. samad.shahidi@hotmail.com

چارچوب تحقیق

مقاله پیش رو با توجه به دیدگاه پدیدارشناسی محیطی و مقوله حس مکان، موضوع حفاظت را واکاوی می‌کند. این رویکرد، چشم‌اندازهای تحلیلی خاصی را در حوزه حفاظت مطرح می‌سازد. چنان‌که با بررسی تجربه‌های عملی حفاظت فضاهای میراثی ایران می‌توان دریافت که به دلیل ملموس بودن خصوصیات کالبدی و عملکردی فضاها، این بخش عمده توجه حفاظت‌گران را به خود جلب کرده و در فرایند مداخلات در اولویت قرار می‌گیرند حال آنکه کیفیت فضا و میزان مطلوبیت آن به وجوهی که کمتر ملموس هستند از قبیل حس مکان بستگی دارد. از دیدگاه پدیدارشناسانه در واقع قضاوت حسی، ملاک ارزیابی فضا و واکنش نسبت به آن بوده و تصمیم به ادامه حضور در فضا و استفاده از آن و همچنین تمایل به مراجعه مجدد یا خودداری از آن را رقم می‌زند.

حس مکان که برپایه حس خوشایند هماهنگی و آشنایی با محیط، در پی ادراک معانی آن شکل می‌گیرد موجب انسانی شدن فضا و در نتیجه برقراری ارتباط، افزایش مقبولیت و تمایل افراد به حضور و بهره‌برداری از مکان می‌شود، به گونه‌ای که نقشی تعیین کننده در میزان جذب مخاطبان و انجام فعالیت در فضا دارد، عاملی که حیات یا مرگ فضا وابسته بدان است. این ماهیت بنیادین حس مکان، ضرورت توجه به آن را در تمام زمینه‌های مربوط به برنامه‌ریزی و طراحی محیط و همچنین در حوزه حفاظت فضاهای میراثی آشکار می‌کند. به همین دلیل است که در توصیه‌های حفاظتی منشور بورا^۱ مفهوم مکان و حفظ معانی محیط به عنوان پیش شرط دستیابی به حس مکان، مورد توجه قرار گرفته است. از نیمه قرن بیستم که توجه دست اندرکاران علوم محیطی به نیازهای غیرمادی انسان در ارتباط با محیط و ابعاد معنایی-حسی فضاها جلب شد. حفاظت‌کنندگان نیز به اهمیت ویژگی‌های غیرمادی فضاهای میراثی که در ارتباط با انسان و دریافت‌های ذهنی او شکل می‌گیرد پی بردند. در واقع مکان از دیدگاه پدیدارشناختی کانونی است که در آن انسان با حوادث و رویدادهای معنا دار، هستی خود را تجربه کرده و در عین حال نقطه‌ای است که انسان از طریق آن در محیط جهت‌یابی و در آن دخل و تصرف می‌کند (Norberg-Schulz, 1975). از این رو در منشور و نیز و نظرات فیلدن می‌توان این مفهوم را یافت یا در رهنمودهای ۱۹۹۳ ایکوموس درباب آموزش حفاظت صراحتاً به حفظ معنی آثار اشاره شده است. بنابراین آن چه ذکر شد مقاله حاضر می‌کوشد تا ضمن تبیین مفهوم حفاظت اصیل با رویکرد به حس مکان، نگرشی مناسب جهت ایجاد راهکارهایی برای حفظ حس مکان و تداوم بخشیدن به سیر تاریخ معناداری فضاهای میراثی بیابد. با توجه به فرضیه

مقاله که هدف غایی حفاظت را، حفاظت حسی- معنایی فضاهای میراثی می‌داند، برای رسیدن به راهکارهای عملی حفاظت اصیل لازم است برای سؤال‌های الف. آیا حفاظت مناسب به معنای حفاظت معنایی است؟ ب. آیا حس مکان را می‌توان مهم‌ترین مفهوم حفاظت معنایی دانست؟ و پ. آیا حفاظت حس مکان راهکارهای حفاظت‌های کالبدی و عملکردی را تبیین و تعیین می‌کند؟ پاسخی علمی یافت.

مقدمه

مطالعه تجربه‌های حفاظت میراث معماری تا پیش از قرن نوزدهم میلادی نشان می‌دهد حفاظت عمدتاً مجموعه اقداماتی برای مقابله با عوامل فرساینده و بهبود بخشیدن به وضعیت کالبدی میراث معماری به منظور تداوم کالبدی و کاربردی آنها و در موارد معدودی به همراه توجه به جنبه‌های هنری، زیبایی‌شناسانه و نمادین آثار بوده است. از قرن نوزدهم به بعد اگرچه نظریه‌پردازان و معماران حفاظتگر برداشت‌های گوناگونی از مفهوم حفاظت داشته‌اند اما در تمام موارد، همچنان، وجوه ملموس و قابل رؤیت آثار میراثی بیش از مقوله‌های حسی و عاطفی آنها مورد توجه قرار گرفته است. زیرا هنوز آثار معماری متشکل از وجوه صرفاً کالبدی و عینی پنداشته می‌شد، حال آنکه در آثار چیزی فراتر از فیزیک اثر وجود دارد. بنابراین تلقی نوشتار حاضر از مفهوم حفاظت، مجموعه اقداماتی است که امکان ادراک محیط میراثی و برقراری ارتباط با آن را فراهم می‌کند. فرضیه این مقاله نیز براین اصل استوار است که ویژگی‌های ذهنی، حسی و معنایی آثار بخش اصیل آن است و لازم است مفهوم و فعل حفاظت در جهت حفظ چنین ویژگی‌هایی باشد، به عبارت دیگر بهتر است هر عمل حفاظتی در خدمت حفاظت ویژگی‌های مذکور باشد.

از چندین دهه قبل با مطرح شدن برخی مفاهیم مرتبط با محیط انسانی در زمینه‌های علمی، فلسفی و علوم محیطی، دیدگاه‌ها نسبت به جنبه‌های کیفی فضاها توسعه یافت و ابعاد غیرکالبدی آنها مورد توجه قرار گرفت. چنین تغییر نگرشی، مقوله حفاظت فضاهای میراثی را نیز متأثر ساخت و موجب شد دست اندرکاران حفاظت، آن را نه تنها اقدامی برای بهینه‌سازی و استمرار ابعاد عینی آثار بلکه عملیاتی بدانند که به خصوصیات ذهنی میراث معماری نیز می‌پردازد. بنابراین مقاله پیش رو حفاظت را تنها مجموعه اقداماتی محدود به کالبد و عملکرد آثار نپنداشته، بلکه فرایندی می‌داند که در طی آن رابطه ذهنی، حسی، معنایی و کنشی انسان با فضای میراثی احیاء می‌شود.

آ. پیشینه و مفهوم حفاظت معماری

واژه حفاظت به معنای حفظ ارزش‌های مشخص است به

پیوجین بیانگر توجه او به اعاده حس مکان اولیه فضاهای میراثی با بازگرداندن فضاها به وضعیت اولیه آنهاست. بررسی پیشینه مفهوم حفاظت نشان می‌دهد با توجه به تعاریف مختلف این مفهوم، تبیین اقدامات مناسب حفاظت نیازمند شناخت جنبه‌های مختلف آن است.

• جنبه‌های مختلف حفاظت معماری

حفاظت معماری طیف وسیعی از موضوعات عینی و کالبدی تا امور ذهنی و معنایی را در بر می‌گیرد، بررسی تاریخ حفاظت نشان می‌دهد حفاظت عینی موضوعی کاملاً شناخته شده است. از گذشته تا زمان معاصر به تدریج توجه حفاظت‌گران بیش از پیش از ویژگی‌های فیزیکی فضاها به معانی و ویژگی‌های ذهنی آنها جلب شده است. در اصل حفاظت کالبدی یکی از سطوح مختلف حفاظت است (تصویر ۱) که نظریه‌پردازان به تفصیل بدان پرداخته‌اند و حفاظت‌گران در اقدامات عملی خود آنها را مدنظر قرار داده‌اند، به طور کلی می‌توان روش‌های حفاظت کالبدی را در چند دسته کلی قرار داد: آ. حفظ وضع موجود بنا (نظریه ضد مرمت)، ب. زدودن بخش‌های الحاقی و حفظ اصل اثر (پاکسازی سبکی)، پ. کامل کردن بخش‌های ناتمام بنا و ت. حفظ اثر میراثی به همراه الحاقات با ارزش آن و ث. بازسازی و نوسازی کالبد براساس اسناد و مدارک تاریخی موجود (مرمت تاریخی). در واقع بخشی از معنای فضا، وابسته به ویژگی‌های کالبدی آن است به عبارت دیگر ویژگی‌های کالبدی، ارزش‌های ذهنی منجمد مکان هستند.

در میانه قرن نوزدهم با مطرح شدن موضوع احیاء به عنوان مکمل امر حفاظت بناها توسط بویی^۱ ماندگاری این بناها با پذیرفتن عملکردهای نو تضمین می‌شود. در اصل هدف از اعطای عملکردهای جدید به این فضاها جریان یافتن حیات در این بناها و به دنبال آن بر خورداری مکان از توجه و مراقبت است. حفاظت عملکردی یکی دیگر از سطوح مختلف مفهوم حفاظت است (تصویر ۱). به طوری که اگر بتوان میزان عوارض جانبی حاصل از حضور افراد بر بناها را کنترل شده دانست، عملکردهای جدید به سبب ایجاد حس فضا و معنا، در تحقق حفاظت نقش مؤثری خواهند داشت.

سطح دیگری از حفاظت به موضوعی فراتر از خود بناها می‌پردازد که با بستر شکل‌گیری بنا مرتبط بوده و به پیوند بنا با آن و جایگاه اثر در بستر مذکور می‌پردازد، به همراه تحولاتی که در طی زمان پذیرفته است. با گسترش شهرنشینی و توسعه ساخت و سازهای معاصر موضوع ارتباط با زمینه اهمیت بیشتری می‌یابد؛ ممکن است بافت اطراف بنایی تاریخی چنان تغییر کند که جایگاه آن تضعیف شود. در برخی موارد نیز ممکن است اثر میراثی از محل خود به محلی جدید جابجا شود. در هر دو حالت محیط شکل‌گیری آن بنا

عبارتی حفاظت زمانی معنا می‌یابد که تداوم حیات اشیایی ارزشمند مطرح باشد که بخشی از فرهنگ یا زندگی یک جامعه شناخته می‌شود. پس به طور کلی حفاظت معماری به معنای حفاظت معماری‌های ارزشمند یا ارزش‌های معماری است. ارزش‌های معماری نیز اگرچه بیشتر به مفهوم فضا نسبت داده می‌شود ولی این ارزش‌ها در طول تاریخ حفاظت معماری طیف وسیعی از مقوله‌های کالبدی تا فضایی را دربرمی‌گیرد. به عنوان مثال آلویس ریگل^۲ ارزش فضاهای میراثی را به ارزش یادمانی و ارزش‌های معاصر تقسیم می‌کند (یوکیلهتو، ۱۳۸۷: ۲۳۸) و چزاره برندی^۳ جنبه‌های تاریخی و زیبایی‌شناسانه آثار را مورد توجه قرار می‌دهد.

حفاظت آثار معماری گذشته، قدمتی به اندازه خود آثار دارد و شواهد و مدارک موجود نشان می‌دهد در طول تاریخ همواره اقداماتی به این منظور انجام شده است. در نیمه دوم قرن هجدهم پدیدار شدن آگاهی نوین تاریخی آغاز عصر حفاظت مدرن را رقم زد. اصول حفاظت مدرن را برای نخستین بار بلوری^۴ و وینکلمن^۵ [در قرن هفدهم و هجدهم] حدس زدند و سایر نظریه‌پردازان به تدریج آن را تدوین نمودند (یوکیلهتو، ۱۳۸۷: ۳۲۹). در قرن هجدهم نخستین گام‌ها در جهت مشارکت بین المللی در این زمینه برداشته شد و در قرن بیستم ایکروم^۶ و ایکوموس^۷ مراکزی بین‌المللی شکل گرفت که عهده‌دار مطالعه میراث فرهنگی، یادمان‌ها و محوطه‌های تاریخی و حفاظت از آنهاست.

مفهوم حفاظت به تدریج با رشد دیدگاه‌های علمی در این زمینه، دقیق‌تر و از عرصه‌های فیزیکی و ملموس آثار به مقوله‌هایی ذهنی متمایل شد. چنانکه در منشور ونیز (۱۹۶۴)، در اظهارات برنارد فیلدن (۱۹۸۲)، در بند (۳) رهنمودهای ایکوموس در باب آموزش حفاظت (۱۹۹۳) و در منشور بورا (۱۹۹۹) می‌توان اشاره به آن را مشاهده کرد. براساس این اسناد، حفاظت مجموعه‌ای از اقدامات است که موجب دستیابی انسان به ارزش‌ها، معانی، پیام‌ها و مفاهیمی می‌شود که در فضاهای میراثی نهفته است؛ به عنوان مثال در منشور بورا با کاربرد واژه مکان بر بعد انسانی فضاهای فرهنگی - تاریخی تأکید شده است.

یکی دیگر از نخستین شواهدی که بیانگر توجه به جایگاه مقولات حسی و ارتباطات انسانی با فضا در حوزه حفاظت است، نظر پیوجین^۸ در نیمه اول قرن نوزدهم است که تنها راه تضمین بزرگداشت و احترام یادمان‌های تاریخی را مرمت احساسات، به معنی برانگیختن عواطف کهن می‌دانست و آن را تنها راهی تلقی می‌کرد که از طریق آن می‌توان آثار مذکور را به همان وضعیت با شکوه پیشین مرمت کرد (یوکیلهتو، ۱۳۸۷: ۱۲۲). در آن زمان که معماران در پی مرمت میراث‌های معماری بودند و نه حفاظت آنها، نظر

از بین رفته و حس فضایی و پیام آن اثر نیز تضعیف شده است؛ در دوره‌های مختلف تاریخ حفاظت، موضوع کیفیت ارتباط با بستر مطرح بوده، چراکه بخشی از هویت آثار میراثی وابسته به زمینه پیدایش و شکل‌گیری آن، و تحولات تاریخی و فرهنگی آن در گذر زمان است. از نمونه‌های بارز توجه به این موضوع را می‌توان در نظرات کامیلو سیتته^۱ و منشور آن مشاهده نمود. مباحث مربوط به ادراک معنا نیز نشان می‌دهد که بخشی از معنای فضاهای میراثی به ارتباط ساختاری آنها با زمینه وابسته است (تصویر ۱).

وجوه عملکردی بنا، ویژگی‌های کالبدی و چگونگی ارتباط بنا با زمینه سه موضوع مهم مفهوم حفاظت است که براساس آنها اقدامات حفاظتی معنادار شده و نوعی ارتباط حسی بین انسان و فضاها را به وجود می‌آورد. در واقع سازماندهی پیام‌های دریافتی از این عوامل بر مبنای قواعد و قالب‌های ذهنی، طی فرایند ادراک، سبب روشن شدن معانی محیط شده و با معنادار شدن یک عینیت و با پیشرفت رابطه حسی - معنایی انسان با فضا، حس مکان و حس تعلق نسبت به آن فضا افزایش می‌یابد که نقش مؤثری در تداوم حیات فضای میراثی دارد. در اصل حس مکان نوعی ارتباط ذهنی، عاطفی و عملکردی افراد با یک‌جا را توضیح می‌دهد. اغلب این حس سبب می‌شود افراد نسبت به مکان‌های خاصی احساس تعلق پیدا کنند یا معانی آن مکان را درک کنند (Tuan, 1974; Williams & Carr, 1993). بدین ترتیب حفاظت اصیل به معنای زنده نگه داشتن ارتباط معنایی انسان با فضا است. پس اصل حفاظت را می‌توان «حفاظت معنایی» تعریف کرده و جنبه‌های مختلف آن را تفسیر کرد.

• حفاظت معنایی

هدف اصلی حفاظت معماری افزایش ارتباط انسان با فضاهای

میراثی به وسیله معرفی و روشن ساختن پیام آن فضاهاست، در واقع معنادار شدن فضا آغازی بر عمیق‌تر شدن رابطه حسی (حس تعلق) نسبت به آن فضا است. از چندین دهه قبل با مطرح شدن مباحثی نو در زمینه علوم محیطی، دیدگاه‌ها در حوزه حفاظت معماری نیز از حد جنبه‌های ملموس آثار فراتر رفت و مقولاتی چون ارزش‌ها، پیام‌ها و معانی فضاها در توصیه‌نامه‌ها و متون مرتبط به عنوان مسایل عمده حفاظت مطرح شد، به طوری که ماده (۹) منشور ونیز (۱۹۶۴) هدف حفاظت (مرمت) را حفظ و بازنمایی ارزش‌های آثار میراثی (اورباشلی، ۱۳۹۵: ۱۰۵) و فیلدن ارایه پیام‌های موجود در میراث فرهنگی می‌داند (حجت، ۱۳۸۰: ۳ و ۱۴۲)، مطابق بند (۳) رهنمودهای ایکوموس در باب آموزش و تعلیم حفاظت از آثار، مجتمع‌ها و محوطه‌ها، حفاظت علاوه بر تطویل عمر میراث فرهنگی، اقدامی برای شفاف کردن پیام‌های آنها است (یوکیلهتو، ۱۳۸۷: ۳۴۷) بدین ترتیب حفاظت میراث معماری اقدامی برای شناساندن و فراهم ساختن امکان ادراک آنها تعریف می‌شود. چنان‌که منشور بورا نیز احترام به معنای میراث معماری و سایر معانی مرتبط تداعی کننده اثر را در حوزه حفاظت به همراه ویژگی‌های ملموس آنها مورد توجه قرار می‌دهد. از آنجا که معنادار شدن فضا آغازی بر عمیق‌تر شدن رابطه حسی نسبت به آن فضا است، موارد مذکور اگرچه چگونگی فرایند تأثیرگذاری مفهوم حس مکان بر حفاظت را توضیح نمی‌دهد ولی بیانگر اهمیت حفظ پیوند حسی مردم با محیط‌های میراثی در انجام اقدامات حفاظتی است. با توجه به اینکه هرگونه دخل و تصرف در کالبد، عملکرد و بستر بناهای تاریخی، بر حس مکان تأثیر می‌گذارد، بنابراین حفاظت‌های کالبدی، عملکردی و بافت شهری از رهگذر خواناسازی معنای مکان، بر کیفیت حضور و سکونت مردم در آن فضاها تأثیر گذاشته و رابطه آنها با فضا را شکل می‌دهد. یکی از مسایل مهم حفاظت معماری معاصر در کشور ما توجه نکردن به جنبه معنایی و حسی فضاهای میراثی است که سبب از بین رفتن ارزش‌های معماری گذشته می‌شود. امروزه یکی از مفاهیم با ارزشی که پیوند مردم با محیط‌های مختلف را مطالعه می‌کند مفهوم حس مکان است، این مفهوم به معنای «تعلق داشتن به محیط‌های انسان ساخت یا طبیعی» است؛ در حالی که فضا را گستره‌ای باز و انتزاعی می‌بینیم، مکان بخشی از فضا است که به وسیله شخصی یا چیزی اشغال شده و دارای بار معنایی و ارزشی است (مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۳۲)، برای شناخت چگونگی اثرگذاری مفهوم حس مکان بر حفاظت فضاهای میراثی لازم است رابطه بین حفاظت معماری و حس مکان واکاوی شود.

ب. حس مکان و حفاظت معماری

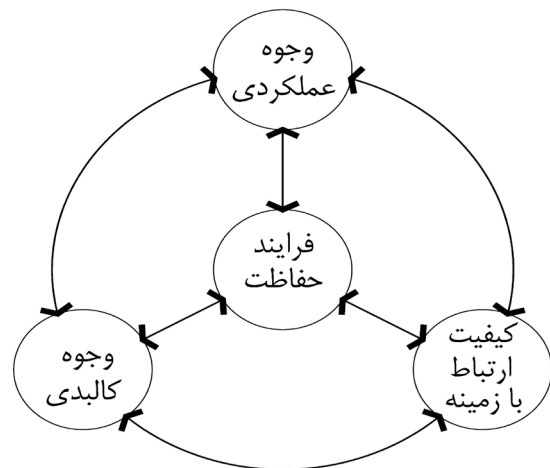
حفاظت اصیل به معنای حفاظتی است که ارتباط انسان با

از بین رفته و حس فضایی و پیام آن اثر نیز تضعیف شده است؛ در دوره‌های مختلف تاریخ حفاظت، موضوع کیفیت ارتباط با بستر مطرح بوده، چراکه بخشی از هویت آثار میراثی وابسته به زمینه پیدایش و شکل‌گیری آن، و تحولات تاریخی و فرهنگی آن در گذر زمان است. از نمونه‌های بارز توجه به این موضوع را می‌توان در نظرات کامیلو سیتته^۱ و منشور آن مشاهده نمود. مباحث مربوط به ادراک معنا نیز نشان می‌دهد که بخشی از معنای فضاهای میراثی به ارتباط ساختاری آنها با زمینه وابسته است (تصویر ۱).

وجوه عملکردی بنا، ویژگی‌های کالبدی و چگونگی ارتباط بنا با زمینه سه موضوع مهم مفهوم حفاظت است که براساس آنها اقدامات حفاظتی معنادار شده و نوعی ارتباط حسی بین انسان و فضاها را به وجود می‌آورد. در واقع سازماندهی پیام‌های دریافتی از این عوامل بر مبنای قواعد و قالب‌های ذهنی، طی فرایند ادراک، سبب روشن شدن معانی محیط شده و با معنادار شدن یک عینیت و با پیشرفت رابطه حسی - معنایی انسان با فضا، حس مکان و حس تعلق نسبت به آن فضا افزایش می‌یابد که نقش مؤثری در تداوم حیات فضای میراثی دارد. در اصل حس مکان نوعی ارتباط ذهنی، عاطفی و عملکردی افراد با یک‌جا را توضیح می‌دهد. اغلب این حس سبب می‌شود افراد نسبت به مکان‌های خاصی احساس تعلق پیدا کنند یا معانی آن مکان را درک کنند (Tuan, 1974; Williams & Carr, 1993). بدین ترتیب حفاظت اصیل به معنای زنده نگه داشتن ارتباط معنایی انسان با فضا است. پس اصل حفاظت را می‌توان «حفاظت معنایی» تعریف کرده و جنبه‌های مختلف آن را تفسیر کرد.

• حفاظت معنایی

هدف اصلی حفاظت معماری افزایش ارتباط انسان با فضاهای



تصویر ۱. مدلی برای توضیح جنبه‌های مختلف حفاظت معماری، مأخذ: نگارندگان.

ویژگی‌های مکان به صورت دقیق و بدون پیش فرض و داوری و با تعریف متغیرهای محیط و انسان است. در این دیدگاه مکان، جا یا قسمتی از یک فضا است که از طریق عوامل موجود در آن هویت خاصی می‌یابد. از این رو مکان مفهومی مجرد و به معنای یک‌جا و بدون ارتباط با انسان نیست بلکه صورتی از ارتباط میان انسان، اشیا و دیگر موجودات است (گروتز، ۱۳۷۵). از نظر کانتر^{۱۲} مکان بخشی از فضای طبیعی یا انسان ساخت است که به لحاظ مفهومی یا مادی محدوده‌ای مشخص دارد و نتیجه روابط متقابل و عکس‌العمل میان سه عامل رفتار انسانی، مفاهیم و ویژگی‌های کالبدی مربوط به آن است. توماس نیس^{۱۳} روایتی کامل‌تر از مدل کانتر و چارچوبی برای مطالعه انسان و محیط ارائه می‌کند. به اعتقاد وی مکان نظامی اجتماعی - کالبدی است که با وحدت محیط کالبدی، فعالیت‌ها، روابط و مناسبات انسانی تفسیر شده و نمی‌توان آن را بدون توجه به این عوامل توضیح داد. به طور کلی از نظر علمی چهار عامل مفاهیم، فعالیت‌ها، ویژگی‌های کالبدی و مناسبات انسانی از عوامل مهم ایجاد حس مکان هستند.

• حس مکان و حفاظت معماری

با توجه به این نکته که یکی از نقش‌های مهم ساختن معماری، تحقق بخشیدن و جنبه عینی‌دادن به حس مکان است. حفاظت معماری نیز به معنای حفظ حس مکان موجود در فضاهای میراثی است. هدف وجودی ساختن و بنا کردن این است که سایت را به مکان تبدیل سازیم. یعنی آشکار کردن آن گروه از معانی که به طور بالقوه در محیط داده شده^{۱۴}، حضور دارند (نوربرگ شولتز، به نقل از پرتوی؛ ۱۹۹۶: ۴۲۲)؛ با توجه به اینکه حفاظت معماری در اصل به معنای حفاظت معنایی است که در آن هر دخل و تصرفی در کالبد، عملکرد و زمینه با هدف حفظ پیام فضای میراثی است. از سوی دیگر مکان، از منظر پدیدارشناسی و علمی مقوله‌ای معنادار است که هستی انسان را تعریف کرده و انسان از طریق همین معنا در فضا دخل و تصرف می‌کند می‌توان «معنا» را نقطه مشترک حفاظت معماری و حس مکان دانست. تصویر ۲ نشان می‌دهد که حفاظت معماری و حس مکان برای معنادار کردن فضاهای معماری و میراثی روی ویژگی‌های کالبدی، عملکردها و فعالیت‌ها، زمینه شهری تأثیر گذاشته و از آنها تأثیر می‌پذیرند.

حس مکان فضاهای میراثی به تبع تغییر ساختار آنها در طول حیاتشان می‌تواند دچار تغییراتی شود. اقدامات حفاظتی باید قادر باشد حس مکان را در مخاطبان فضاها برانگیزد؛ هر مکانی باید ظرفیت دریافت محتوای گوناگون را با حدود معین داشته باشد. مکانی که فقط برای هدفی خاص ایجاد شده است به زودی

فضاهای میراثی را تقویت کرده و تعلق انسان به فضاهای میراثی را افزایش دهد. بدون شک تحقق حفاظت اصیل به جنبه‌های حس مکانی بناهای میراثی وابسته است. چرا که حس مکان فصل مشترک فضا و انسان است و بدون چنین حسی مفاهیم فضایی نمی‌توانند معرف کیفیت مکانی باشند. چنان‌که ممکن است فردی در میان یک اجتماع احساس تنهایی کند، فردی ممکن است در جایی باشد و احساس بی‌مکانی کند. حس مکان موجب تطابق، تعلق و عشق انسان به مکانی خاص می‌شود. این تعلق در ارتباط برقرار کردن با مکان‌های دیگر انسان را یاری می‌دهد. از این رو مفهوم حفاظت باید دربرگیرنده حفظ حس مکان فضاهای میراثی باشد. بدین ترتیب که حفاظت معماری در سطحی فراتر از کالبد و عملکرد آثار معماری، دستیابی به حس مکان فضاهای میراثی را امکان‌پذیر سازد.

از این رو حفاظت، اصالتاً مجموعه‌ای از اقدامات است که از طریق خواناسازی معانی محیط، به شکل‌گیری حس مکان می‌انجامد. در گذشته ارکان حس مکان یا روح مکان شامل آگاهی زنده و پویا از محیط آشنا، یک تکرار آئینی و مذهبی و یک احساس رفاقت و دوستی با مکان بود ولی امروز به ارزش و احترامی که در گذشته روح مکان مستتر بود توجه نمی‌شود. بنابراین لازم است مفهوم حس مکان و نکته مشترک آن با حفاظت معماری مطالعه شود.

• مفهوم حس مکان

حس مکان حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی وی و ویژگی‌های محیطی است. این مفهوم از یک سو ریشه در تجربه‌های ذهنی دارد و از سوی دیگر متأثر از زمینه‌های عینی و بیرونی محیط است که باعث تداعی‌های مختلف از یک مکان می‌شود. به‌طور کلی واژه حس در اصطلاح حس مکان بیشتر به مفهوم عاطفه، محبت، قضاوت و تجربه کل مکان یا توانایی فضا در ایجاد حس خاص یا تعلق در افراد است.

حس مکان از نظر سابقه مطالعات انجام شده در حوزه‌های علوم انسانی مانند روانشناسی و جامعه‌شناسی و معماری و جغرافیا با دیدگاه‌ها و روش‌های مختلف توصیفی، پدیدارشناختی و علمی تعریف شده است. مکان از نظر پدیدارشناس‌ها کانونی است که در آن انسان هستی خود را از طریق حوادث و رویدادهای معنادار تجربه کرده و همچنین نقطه‌ای است که جهت‌یابی، دخل و تصرف انسانی را میسر می‌کند. مکان از این نظر معنادار است و با معانی مکان شخصیت می‌یابد. رلف^{۱۱} معتقد است مکان فقط جایی برای یک چیز نیست بلکه یک‌جا به علاوه هر چیزی است که آنجا را اشغال کرده و آن را پدیده‌ای معنادار می‌کند. دیدگاه علمی یا تجربی نیز مبتنی بر شناخت اجزاء و

دارد. به طور کلی جدول بیان می‌کند نخست ویژگی‌های کالبدی و فعالیت‌ها از جنبه‌های مهم حفاظت به شمار می‌آیند زیرا دخل و تصرف در آنها بدون شک بر حس مکان فضای معماری اثر می‌گذارد؛ دوم این‌که ارتباط کالبدی و ارتباط عملکردی فضاهای میراثی با محیط اطراف نیز معانی فضایی را خلق می‌کند، در نتیجه می‌توان جدول ۱ را چنین شرح داد:

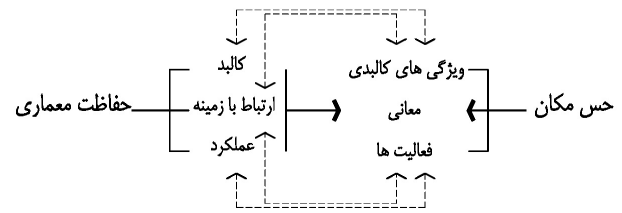
آ. کالبد بنای میراثی بخش مهمی از هویت و شکل دهنده حس مکان آن است. مداخله در کالبد - به عنوان یکی از مؤلفه‌های حس مکان - مداخله در حس مکان را به همراه دارد.

ب. ارتباط کالبدی بنا با محیط آن به گونه‌ای حفظ می‌شود که بخشی از وظیفه خلق فضای شهری برای فعالیت‌های عمومی را برعهده داشته باشد.

پ. ساختارهای کالبدی فضاهای میراثی، معانی مشخصی دارند از این رو لازم است مداخله در کالبد سبب تقویت و انتقال این معانی شود تا فضا برای مردم آشنا باشد تا بتواند ارتباط انسان - فضا را در طول زمان حفظ کند (جدول ۱).

ت. فضاهای میراثی در زمان ساخته شدن رابطه کالبدی متناسبی با بافت اطراف خود داشته‌اند که با توسعه بافت‌های مدرن در اطراف این فضاها لازم است ویژگی‌های کالبدی بافت جدید به تقویت و روشن شدن جایگاه فضای میراثی در بافت کمک کند.

ث. یکی از راه‌های ارتباط فضاهای میراثی با زمینه اطراف، مشارکت آنها در تأمین فضاهای فعالیت و عملکردهای



تصویر ۲. طرح واره ای برای نشان دادن اینکه حس مکان مقوله ای معنادار است و حفاظت معماری به دنبال احیای معنای فضا است، مأخذ: نگارندگان.

بدون استفاده خواهد بود... یک مکان ممکن است به طرق مختلف تأویل شود. حمایت و حفاظت از حس مکان بدان معناست که سعی کنیم ماهیت آن را در زمینه‌های جدید، عینیت بخشیم...؛ بنابراین مکان شامل خواصی است که درجه متنوعی از تغییرناپذیری و ثبات را در برمی‌گیرد (همان). با توجه به نقاط مشترک بین حفاظت معماری و حس مکان می‌توان نتیجه گرفت که حس مکان نقطه خوبی برای آغاز حفاظت معماری است.

پ. حفاظت براساس حس مکان

حس مکان فضاهای میراثی از چند نظر قابل توجه است، با گذر زمان فضاهای میراثی دچار تغییراتی می‌شوند که بر حس مکان آنها تأثیر می‌گذارد. باید توجه داشت که اگرچه ساختارهای مکان ثابت نیستند و با گذر زمان تغییر می‌کنند لیکن مکان‌ها هویت خود را حفظ می‌کنند. به عبارتی بهتر یک مکان میراثی قابلیت پذیرش محتوای گوناگون را در چارچوب هویت خود دارد. هدف حفاظت فراهم کردن شرایطی است که مخاطبان بتوانند به حس مکان فضاهای میراثی دست یابند.

• حفاظت در شرایط جدید

با توجه به رشد علوم محیطی و روانشناسی در حوزه‌های مختلف به خصوص در حوزه معماری و شهرسازی، لازم است موضوع حفاظت معماری نیز از دریچه چنین نگرشی تفسیر شود تا راهکارهای حفاظت معماری در شرایط جدید به هدف زنده نگه داشتن پیام آثار میراثی و به وجود آوردن حس تعلق خاطر در افراد دست یابد. مفهوم حس مکان، موضوعی روانشناسی است و رابطه نزدیکی با فضاهای معماری و شهرسازی دارد به طوری که یکی از فاکتورهای شناخت و تحلیل چنین فضاهایی حس مکان آن فضاها است. تصاویر ۱ و ۲ نشان می‌دهد شناخت حس مکان فضاهای میراثی می‌تواند سرمنشأ اقدامات حفاظتی مناسبی باشد. از این رو در این بخش چگونگی تأثیر حس مکان بر حفاظت معماری بررسی می‌شود.

جدول ۱ به وضوح نشان می‌دهد که در میان عناصر شناخته شده حفاظت و حس مکان مفاهیم مشابه و متناظر وجود

حس مکان / حفاظت معماری	معانی	فعالیت‌ها	ویژگی‌های کالبدی
کالبد	پ.	ب.	آ.
ارتباط با زمینه	ج.	ث.	ت.
عملکرد	خ.	ح.	چ.

جدول ۱. راهکارهای حفاظت معماری در دوره جدید، مأخذ: نگارندگان.

جمعی و شهری است که پیوستگی بنای میراثی با بافت شهری را به وجود آورده، از این رو لازم است بناهای میراثی در چارچوب هویت خود عملکردهای نو را بپذیرند.

ج. بخشی از معنادار بودن فضاهای میراثی وابسته به نوع ارتباط آنها با بناهای همجوار در بافت شهری است که دخل و تصرف در این ارتباط به شکل کالبدی یا عملکردی

در اصل مجموعه اقداماتی است که ایجاد و ارتقاء حس مکان بناهای میراثی را امکان‌پذیر ساخته و با سازماندهی اقدامات صحیح حفاظتی، پیام و مفهوم آنها را حفظ می‌کند. ویژگی‌های کالبدی و عملکردی فضاهای میراثی، بخشی از عوامل شکل‌دهنده معانی مکان هستند که حفاظتگر می‌تواند از طریق مداخلات مناسب در آنها قابلیت ادراک فضا را ارتقاء دهد؛ از این رو تصویر ۳ توضیح می‌دهد که «حس مکان به واسطه معنادار بودن، بر روش‌های حفاظتی اثر گذاشته و این تأثیرگذاری از طریق دخل و تصرف در فعالیت‌ها و کالبد فضاهای میراثی تحقق یافته و بدین طریق حس مکان فضای میراثی، به واسطه اقدامات حفاظتی مناسب خواناسازی می‌شود. به نظر می‌رسد به دلیل امکان دستیابی به حس مکان فضاهای میراثی، مردمی که در تماس با این فضاها هستند برای مراجعه به آنها و انجام فعالیت‌های مختلف تشویق شده، با تداوم حضور در فضا و شناخت ویژگی‌های عملکردی - کالبدی فضا نسبت به آن فضا حس تعلق یافته و در نهایت فضای میراثی تبدیل به مکانی معنادار و باارزش می‌شود».

می‌تواند جایگاه فضای میراثی را تحت تأثیر قرار دهد. چ. عملکردها بر مبنای ساختارهای اجرایی‌شان، ویژگی‌های کالبدی مشخصی را خلق می‌کنند به عبارتی دیگر ویژگی‌های کالبدی فضاهای میراثی بر اساس عملکردهای اولیه آنها شکل گرفته است. پس اگر حفاظت این فضا نیازمند تعریف عملکرد جدید باشد لازم است عملکرد جدید با ویژگی‌های کالبدی آن فضا متناسب باشد زیرا توجه به ویژگی‌های کالبدی به معنای توجه به حس مکان فضا است.

ح. عملکرد فضاها به واسطه تأمین فعالیت‌های انسانی در درون فضاهای میراثی، مقدمات حضور و آغاز حس تعلق افراد به فضا و به تبع آن حس مسئولیت به فضا را ایجاد می‌کنند.

خ. حضور عملکردهایی غیر از عملکرد موزه‌ای در درون فضاهای میراثی سبب تداوم حضور افراد شده و تداوم تاریخی حس مکان فضاهای میراثی را تقویت می‌کند.

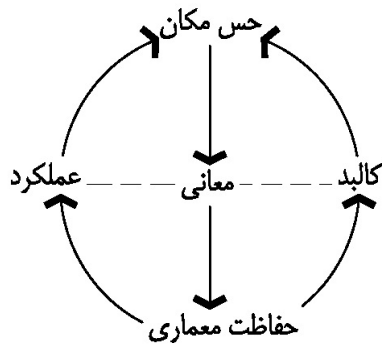
• الگوی حفاظت معماری

بر اساس آنچه که در این مقاله بیان شد حفاظت معماری

بحث و نتیجه‌گیری

پیشینه حفاظت معماری نشان می‌دهد که امر حفاظت از مرمت‌های کالبدی شروع شده و در گذر زمان تحت تأثیر علوم محیطی قرار گرفته است به طوری که در سال‌های اخیر توجه به معانی فضاهای میراثی و حس مکان آنها در کانون توجه نظریه‌پردازان و حفاظتگران قرار گرفته است. مقاله حاضر در پی شناخت و تحلیل رابطه مفهوم حفاظت معماری با حس مکان، کنش و واکنش میان این دو مفهوم را واکاوی کرده و در آخر با تعریف عوامل مؤثر بر این دو مفهوم، نکات مشترک و تفاوت آنها را به صورت ماتریسی توضیح می‌دهد، بنیانی بر نحوه اندیشیدن به حفاظت‌های پیشین را پایه‌ریزی می‌کند و کیفیت فضای حفاظت شده را ارتقاء می‌بخشد.

حفاظت بر اساس حس مکان زمینه‌ای برای پیوند فضاهای معماری با انسان و دنیای جدید است. در واقع حفاظت حس مکان، حفاظت اصیل و پایداری است که فضاهای میراثی را با دنیای جدید پیوند می‌دهد. تصویر ۳ نشان می‌دهد که مفهوم حس مکان به وسیله آشکار کردن معانی فضاهای میراثی بر حفاظت معماری اثر می‌گذارد و حس مکان کمرنگ شده یا از بین رفته این فضاها را از طریق اقدامات کالبدی - عملکردی مناسب خواناسازی می‌کند. در نتیجه حضور مردم در این فضاها افزایش یافته و به واسطه انجام دادن فعالیت‌های جدید در چنین فضاهایی به تدریج حس تعلق افراد نسبت به فضا افزایش یافته، نسبت به حفظ و نگهداری فضاهای میراثی احساس مسئولیت می‌کنند و تداوم حیات فضای میراثی تضمین می‌شود. جدول ۱ نشان می‌دهد که مجموعه اقدامات حفاظت معماری در سه زمینه کالبد، عملکرد و بستر تاریخی می‌تواند معانی، ویژگی‌های کالبدی، فعالیت‌ها و به تبع آن حس مکان فضا را تحت تأثیر قرار دهد. اقدامات صحیح حفاظتی منجر به خواناسازی معانی شده و نیل به حس مکان را میسر ساخته و به تبع آن می‌تواند حس تعلق مردم نسبت به فضا را افزایش دهند. از این رو حفاظت اصیل معماری به معنای حفاظت معنایی فضاهای میراثی است که می‌توان مفهوم حس مکان را سرآغاز حفاظت معنایی دانست.



تصویر ۳. مدلی برای توضیح فرایند تأثیرگذاری مفهوم حس مکان بر حفاظت‌های کالبدی و عملکردی. مأخذ: نگارندگان.

پی‌نوشت‌ها

۱. Burra Charter منشور ایکوموس استرالیا برای مکان‌های واجد اهمیت فرهنگی : این منشور در سال ۱۹۷۹ در شهر تاریخی بورا در جنوب استرالیا نوشته شده و در سال‌های ۱۹۸۱، ۱۹۸۸، ۱۹۹۹ و ۲۰۱۳ بازبینی شده است.
۲. Bellori .۴ / Gesare Brandi .۳ / Alois Riegl .۵
۳. Iccrom .۶ / Johann Joachim Winckelmann .۵
۴. Boito .۹ / Pugin .۸ / Icomos .۷
۵. David Canter .۱۲ / Edward Relph .۱۱ / Camillo Sitte .۱۰
۶. Given environment .۱۴ / Toomas Niit .۱۳

فهرست منابع

- احمدی، بابک. ۱۳۷۸. *آفرینش و آزادی جستارهای هرمنوتیک و زیبایی‌شناسی*. تهران: نشر مرکز.
- استنلی پرایس، نیکلاس. ۱۳۸۷. *حفاظت و مرمت در کاوش‌های باستان‌شناسی*. ت: میرمحسن موسوی. تهران: دانشگاه هنر.
- امین‌پور، احمد. ۱۳۸۲. راهبردهای حفاظت و مرمت (بارویکرد به منشور بورا). *فصلنامه عمران و بهسازی شهری هفت شهر*، ۱ (۱۳، ۱۲): ۹-۱۶.
- اورباشلی، آیلین. ۱۳۹۵. *حفاظت معماری*. ت: محمدصادق فلاحت و محمد زارع. زنجان: دانشگاه زنجان.
- براندی، چزاره. ۱۳۸۷. *نظریه‌های مرمت*. ت: پیروز حناچی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه و بزرگ، حمیده. ۱۳۹۱. *الفبای روانشناسی محیط برای طراحان*. تهران: آرمانشهر.
- پرتوی، پروین. ۱۳۸۲. *مکان و بی‌مکانی رویکردی پدیدارشناسانه*. نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، (۱۴): ۴۰-۵۰.
- پرتوی، پروین. ۱۳۹۲. *پدیدارشناسی مکان*. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- حجت، مهدی. ۱۳۸۰. *میراث فرهنگی در ایران؛ سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- راپوپورت، ایماس. ۱۳۹۱. *معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی*. ت: فرح حبیب. تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- راس، کلی ال، وینترز، ادوارد و کوپر، کلر. ۱۳۷۹. *مبانی فلسفی و روانشناختی ادراک فضا*. ت: آرش ارباب جلفایی. اصفهان: نشر خاک.
- فخاری تهرانی، فرهاد و همکاران. ۱۳۷۲. *احیاء (اعطای عملکرد جدید به بناهای قدیمی)*. نشریه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی صفه، (۱۱، ۱۲): ۲۴-۶.
- فلاحت، محمدصادق. ۱۳۸۵. *حس مکان و عوامل شکل دهنده آن*. نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، (۲۶): ۵۷-۶۶.
- فلامکی، منصور. ۱۳۹۴. *باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قاسمی اصفهانی، مروارید. ۱۳۹۴. *اهل کجا هستیم؟*. تهران: روزنه.
- کلالی، پریسا و مدیری، آتوسا. ۱۳۹۱. *تبیین نقش مؤلفه معنا در فرایند شکل‌گیری حس مکان*. نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، ۱۷ (۲): ۴۳-۵۲.
- گروتز، یورگ. ۱۳۷۵. *زیبایی‌شناختی در معماری*. ت: جهان‌شاه پاکزاد؛ عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مدنی پور، علی. ۱۳۷۹. *طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی و مکانی*. ت: فرهاد مرتضایی. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مطلبی، قاسم. ۱۳۸۰. *روان‌شناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری*. نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، (۱۰): ۵۲-۶۷.
- نوربرگ شولتس، کریستیان. ۱۳۸۸. *روح مکان، به سوی پدیدارشناسی معماری*. ت: محمدرضا شیرازی. تهران: رخ داد نو.
- نوربرگ شولتس، کریستیان. ۱۳۹۳. *معنا در معماری غرب*. ت: مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- نوربرگ شولتس، کریستیان. ۱۳۹۳. *گزینه‌ای از معماری، معنا و مکان*. ت: ویدا نوروز برازجانی. تهران: انتشارات پرهام نقش.
- یوکیلهتو، یوکا. ۱۳۸۷. *تاریخ حفاظت معماری*. ت: محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری. تهران: روزنه.
- Norberg-Schulz, C. (1975). *Meaning in western architecture*. New York: Praeger publishers.
- Williams, D R., & Carr, D.S. (1993). *The sociocultural meaning of outdoor recreation places*. In A. Ewert, D. Shavez, & A. Magill (Eds.), *Culture, conflict, and communication in the wildland-urban interface* (pp. 209-219). Boulder, Co: Westview Press.
- Yeung, H. L. Ch. (2013). *Rethinking the role of sense of place in heritage conservation: a case study of cattle Depot Artist Village*. University of Hong-Kong. (www.hdl.handle.net/10722/195124) Accessed 2016/12/25.